

آکادمی توسعه سویس

نتایج طرح تحقیقات ناهنجاری

عباس مظاهری

مقدمه

مفاهیم و تعاریف پروژه موضوع تحقیق (بخش نظری)

اصطلاح «جهان سوم» رفته رفته به یک تعمیم بی معنا تبدیل شده است. با وجود پیش شرطهای فرهنگی ویژه و گرایشهای موجود، توجه زیادی به فعالیت پژوهشی و به سمت تکیه کلی بر دورنماهای توسعه معطوف شده است. مطمئن ترین راه برای دستیابی به یک سیستم اعلام خطر مبتنی بر شاخص (راهنما) به منظور پیشگیری از فاجعه، تحقیق و مطالعه درباره «ناهنجاری» است. شرایط نابهنجاری که بر اثر دگرگونیهای ناشیانه و بیش از ظرفیت به وجود می آید، تأکید بر سیاست توسعه، پیشی گرفتن بر کاربرد روان شناسی و تعریف ناهنجاری براساس شرایط محیطی و مرزی را ضروری می سازد. آکادمی توسعه سویس ناهنجاری را با توجه به هدف خود این گونه تعریف می کند: «ناهنجاری حالت آشفته ای از ناامنی است که بر بخش وسیعی از جمعیت سایه افکنده و بالقوه بحران ساز است. در چنین شرایطی،

الگوهای فرهنگی مبتنی بر تفسیر ارزش خود را از دست می دهد، وحدت اجتماعی در جامعه تحقق نمی یابد، هنجارهای رفتاری که قبلاً معتبر شناخته می شد و همچنین شایستگیهای شخصی بی اعتبار و عمل هدفمند، هم برای فرد و هم برای جمع، هرچه بیشتر غیرممکن می شود. پیامد چنین وضعیتی بروز بی ثباتی و ناپایداری گسترده و پیدایش رفتار بی تفاوت و انفعالی خواهد بود و در نهایت، رویاروییهای اجتماعی و فرهنگی نیز تشدید خواهد شد.

در این صورت، ناهنجاری یک هدف مقطعی است و با گامی به سوی تجدد همراه است. ویژگی ناهنجاری، نابسامانی و بی نظمی است که سازمان و نظم نوینی را در سطح بالاتری از اجتماع پدید می آورد. ما همیشه با چنین «مسیر مناسبی» از توسعه که برای ناهنجاری موقتی ناشی از آن راه حل درون ساخته داشته باشد، روبه رو نیستیم. ویژگی درون ساخته در فرایندهای تغییر، ناهنجاری را به موضوعی برای تجزیه و تحلیل ساختار نهفته تبدیل

می‌سازد و این امر نیز به نوبه خود، اصول راهنمای کشف شاخصهای یک وضعیت ناهنجار را ارائه می‌دهد. پروژه حاضر به ویژه به مواردی می‌پردازد که مغایرت توسعه و ناهنجاری را نشان می‌دهد. همچنین موارد قریب‌الوقوعی نیز که بتوان از آن برای ساختن یک ابزار مداخله مرتبط با سیاست استفاده کرد (سیستم اعلام خطر) مورد نظر است. پروژه حاضر به سه زمینه مطالعاتی گسترده‌تر مربوط می‌شود که عبارت‌اند از:

● توصیف ساختارهای ناهنجاری از جمله چگونگی تکوین آنها

● به تصویر کشیدن دقیق جنبه منطقه‌ای ناهنجاری از طریق ایجاد یک نوع شناسی که اشکال گوناگون ناهنجاری را قابل درک می‌سازد (شاخصهای ناهنجاری و حرکت‌های تغییر برانگیز مانند جهانی کردن، شهری کردن، نژاد شناسی نواحی، مناطق و مهاجرت، برای این منظور با یکدیگر ترکیب خواهد شد)

● تفسیری از آن نتایج و تلاش برای به دست آوردن مبنایی از آن مجموعه دانش برای مقیاسها یا راهبردهایی که برای آوردن انتقالات از کشورهای اعطاکننده در یک جهت مناسب، مستعدند. این کار مشابه با ایجاد یک سیستم اعلام خطر است.

فرضیه‌های اصلی (بخش تحلیلی)

گرایشهای هرج و مرج طلبانه را باید در نظر گرفت ولی نمی‌توان آنها را پیش‌بینی کرد. این گرایشها شباهت بسیاری به پدیده‌هایی دارند که برای یک سیاست برنامه‌ریزی، کاملاً شناخته شده‌اند و به عنوان «پیامدهای غیرعمدی و اعمال عمدی» معرفی شده‌اند. زمانی که پیامدهای ناخواسته اما غیرقابل اجتناب به معنای بی‌ثباتی و فاجعه است،

تحقیق در مورد ناهنجاری باید با دقت صورت گیرد. از ناهنجاری همچنین به عنوان یک مفهوم ابتکاری به منظور تجزیه و تحلیل بی‌نظمی اجتماعی برای دستیابی به اهداف علمی و سیاسی استفاده خواهد شد. علاوه بر این، ناهنجاری می‌تواند به عنوان یک ابزار تشخیص در مورد این که چه چیزهایی را باید تقویت کرد و از چه مسائلی باید اجتناب ورزید، به کار رود. پس از آن، یک مبنای علمی برای برنامه‌های مداخله و نظارت و کنترل نتایج مداخله مطرح می‌شود. کثرت قوانین رسمی و فردگرایی افراطی، موازنه روابط قدرت را مختل می‌سازد و در نتیجه، همکاری بین افراد و مؤسسه‌های اجتماعی دچار مشکل می‌شود و کارایی مؤسسه‌ها نیز کاهش می‌یابد.

چهار نوع الگوی ناهنجاری وجود دارد که متمایز از یکدیگرند:

- مناطق محروم
- ناهنجاری: پویایی داخلی و خود-ترمیم آن
- ناهنجاری به عنوان مولد فساد
- ناهنجاری همراه با تحول اجتماعی

تمایزهایی نیز بین زمینه‌های مختلف توسعه وجود دارد. شش نوع تفاوت ملی و اجتماعی را می‌توان به شرح زیر مشخص کرد:

۱. اختلافهای قومی
۲. طبقه بالای اجتماعی پس از دوره استعمار، و بومیهای نایکیارچه
۳. بنیادگرایی مذهبی در تعارض با تجددگرایی اقتصادی
۴. تجددگرایی به شیوه اروپایی در زمینه‌های سنتی
۵. «راه سوم» ویژه تکامل فرهنگی به شیوه

برگزینند، جریان یابد.

جمع‌بندی تحلیلی عملیات پژوهشی به معنای:

- انگیزه‌ای برای ادامه یک خط مشی، اما همچنین
- نشانه خطر از گرایش دوباره،
- دست کشیدن از خط مشی ویژه‌ای در زمینه‌ای معین خواهد بود.

الف) هدفهای پروژه و تعاریف پژوهش (بخش نظری)

۱. مسائل جدید مربوط به سیاست توسعه «دهه‌های توسعه» اصطلاحی است که توسط سازمان ملل متحد برای نشان دادن تلاشهای این سازمان جهانی در جهت دستیابی به اهداف سیاست توسعه مورد استفاده قرار می‌گیرد. تجربه حاصل از چندین دهه حاکی از این است که این دوره‌ها عقبر از اهداف و برنامه‌های از پیش تعیین شده توسط آنجمنها و نهادهای بین‌المللی بوده‌اند. تاکتیکهایی وجود دارد که می‌توان از آنها برای تعیین اهدافی بالاتر سود جست و هم از این طریق، به منظور دریافت کمک و دستیابی به هدفهای مذکور، دولت را به تلاش بیشتر ترغیب کرد. اما مقایسه بین بازده واقعی و برنامه‌هایی که به گونه‌ای خوش‌بینانه تدوین شده‌اند کار عاقلانه‌ای است. اختلاف فاحش سطح زندگی و رفاه میان نیمکره شمالی و نیمکره جنوبی نه تنها کاهش نیافته بلکه همواره عمیقتر نیز شده است. اکنون نیز این روند ادامه دارد. زیرا نیازمندها و تقاضاهای کمک که در نیمکره جنوبی مطرح می‌شود با انتظارات بیشتری برای دمکراسی و پیش‌شرط کنترل چگونگی استفاده از این کمک توسط نیمکره

استبدادی تجدد

۶. اولویت کشور در اختلاف شدید مذهبی، اقتصادی و فرهنگی

انواع ناهنجاریها نظیر آنچه که پیشتر گفته شد در ترکیب با توصیف زمینه‌های توسعه، امکان واقعگرایی و دقت بیشتری را در روند توسعه فراهم می‌سازد.

نتایج و رابطه آنها با فعالیت سیاسی (بخش کاربردی)

شناسایی پدیده‌های ناهنجار و الگوسازی ساختارهای آن و همچنین شرح جنبه‌های محلی (داخلی)، مبنایی برای تداخل ناهنجاری محسوب می‌شوند. به بیان کلی، ناهنجاری به‌عنوان نشانه نمونه‌وار تخریب اجتماعی تلقی می‌شود. ناهنجاری یا هسته فساد اجتماعی را تشکیل می‌دهد و یا به‌عنوان یک نشانه خاص با این فساد همراه است. علاوه بر این در بیشتر موارد، ناهنجاری نظیر یک نیروی محرکه فساد اجتماعی عمل می‌کند. این فرضیه‌ها که به‌صورت ساده بیان شده است بنیان یک سیستم اعلام خطر مربوط به هرج‌ومرج را تشکیل می‌دهند.

سیستمهای اعلام خطر که در وضعیتهای یادگیری کنترل، پیوسته در حال بهبودند اساساً نقش مثبتی ایفا خواهند کرد. این سیستمها اگر از یک جریان اطلاعات مناسب و کاملاً سازمان‌یافته و نیز ارزیابی مستدل برخوردار باشند می‌توانند مسانند حلقه ارتباط مدیریت پروژه داخلی و مواردی از حکومت جهانی یا مرکزی عمل کنند. کار عملی باید در یک سیستم اعلام خطر که یک کمیته اجرایی از سیاستمداران باید برای خود

موقعیتهای مذکور نیاز به مداخله دارد یا این که باید پس از آنکه تصمیم بر مسئولیتی گرفته شد، به فراموشی سپرده شود. مناسبترین مسیر به سمت یک سیستم اعلام خطر مبتنی بر شاخص و پیشگیری از فاجعه، تحقیق و مطالعه درباره ناهنجاری (وضعیت نابهنجار محدود به منطقه ناشی از تغییر ناشیانه و خارج از ظرفیت) است.

۲. ناهنجاری، تعریف

واژه ناهنجاری در اصل توسط امیل دورکیم، جامعه‌شناس فرانسوی، در ابتدای قرن حاضر مطرح شد و در جامعه‌شناسی کلاسیک متداول به‌خوبی جا افتاد. طبق نظر دورکیم، ناهنجاری به معنای عدم توازن (نابرابری) و پیروی ناقص از هنجارها در راستای توسعه اجتماعی است که در کلیه سطوح درگیر در فرایند تغییر نفوذ می‌کند. بنابراین، این موارد می‌تواند از ساختار و اقتدار اجتماعی کل گرفته تا شرایط درونی انسان را دربرگیرد. ناهنجاری متشکل از کلیه عدم توازنها، نابرابریها و نارساییها در یک ساختار فرهنگی و اجتماعی مبتنی بر «هنجار» است که به صورت بخشی از روابط سازمان یافته اجتماعی در جایی که افراد با یکدیگر ارتباط دارند، استنباط و تعبیر می‌شود. دورکیم مخالف دیدگاه فردگرایانه اجتماع است. زمینه تحقیق، آن دسته از واقعیهای اجتماعی است که از ارتباطات و کنش متقابل افراد پدید می‌آید.

تالکوت پارسونز ناهنجاری را از دیدگاهی فردگرایانه‌تر تعریف کرده است: «ناهنجاری را شاید بتوان در کوتاهترین عبارت به‌عنوان حالتی توصیف کرد که در آن گروه کثیری از مردم تا حد زیادی فاقد نوعی همگرایی همراه با الگوهای

شمالی رویه‌رو است. مناطقی در حال توسعه از مسیرهای متفاوتی به سمت پیشرفت و تکامل حرکت می‌کنند و در چنین شرایطی اصطلاح «جهان سوم» به تدریج به یک واژه تعمیم‌یافته اما بی‌معنا تبدیل می‌شود. اما شکاف اجتماعی همچنان به جای خود باقی می‌ماند و جهان را از تفرقه و نابرابری آکنده می‌سازد.

اما تحقیقات علوم اجتماعی این توفیق را به‌دست آورده است که تجارب ارزشمندی بیندوزد و حیطة این رشته از دانش بشری را گسترش دهد. تحقیقات اجتماعی با تصویر متفاوتی که از مقایسه بین افریقای حاره‌ای و شرق آسیا ارائه می‌دهد روزبه‌روز در تشخیص علل موفقیت و عواملی که آشکارا منجر به بروز فاجعه و شکست خواهد شد به توانایی بیشتری دست می‌یابد. بحرانهای حادی نظیر «اژدهاهای کوچک» در شرق آسیا و قتل عامهای رواندا در افریقا تحقیقات مرسوم در سیاست توسعه را تحت‌الشعاع قرار داده و مرکز ثقل توجه را از برنامه‌ریزی برای پیشرفت مرحله به مرحله منحرف ساخته است. بر اثر این بحرانها، منافع تحقیقات به سمت تکیه کلی بر چشم‌اندازهای توسعه از دیدگاه پیش‌شرطها و گرایشهایی که نشانه‌های آن از هم‌اکنون مشهود است تغییر جهت داده است.

بحران رواندا که اکنون به یک فاجعه تبدیل شده است از سالها پیش توسط دانشمندانی که با ساخت و تحقیق درباره شاخصها پرداخته بودند، پیش‌بینی شده بود و می‌توانست به مقامهای مسئول کشورهای ذینفع ارائه شود. این مثال می‌تواند تحقیقات را به تحرک وادارد و بر این اساس موقعیتهایی که خطر و فساد را نشان می‌دهند مشخص سازد. نتایج تحقیقات نشان خواهد داد که

الگوهای تحول اجتماعی که در گذشته اتفاق افتاده است و در آینده نیز اتفاق خواهد افتاد به طور رجدی بسرآورد کنیم. رابطه بین شرایط ناهنجاری و قطب‌بندی و تجزیه اجتماعی باید به اثبات برسد. مفهوم ناهنجاری وسیله‌ای را فراهم می‌سازد که درک ما را از جنبه‌های مثبت و منفی تحول اجتماعی افزایش می‌دهد. پروژه آکادمی توسعه سوئیس اولین کوششی است که برای مرتبط ساختن کار نظری و تجربی به منظور دست‌یابی به یک پایه محکم برای سیاست توسعه به عمل آمده است.

۴. تحقیق درباره ناهنجاری در چهار دهه گذشته
 رابرت کی. مرتون ناهنجاری را از زاویه‌ای تقریباً متفاوت از دورکیم می‌نگریست. ترکیب ناهنجاری مرتون به پیروی از نتیجه‌گیری منطقی دورکیم مبنی بر این که نوسان درصد خودکشی به طور اتفاقی به میزان پیوند و اتحادی که توسط جامعه به نمایش گذاشته می‌شود (یعنی به ماهیت ساختار اجتماعی) مربوط می‌شد و تأکید آشکاری بر ضرورت تعریف رابطه بین مرتبه اخلاقی و ساختار جامعه داشت. مرتون می‌گوید هنگامی که بین ساختارهای فرهنگی و اجتماعی تنش وجود داشته باشد ناهنجاری نیز وجود دارد. به نظر او علت اصلی ناهنجاری گسستگی بین اهداف تعیین شده فرهنگی و وسایل تجویز شده ساختاری برای دست‌یابی به آن اهداف و از بی‌کفایتی ساختارهای مربوط به توسعه و پیشرفت است. مرتون این وضعیت اجتماعی را با جامعه امریکایی، به خاطر تأکید بیش از حد آن بر موقعیت مادی به هر قیمت و هر وسیله ممکن و همچنین با عدم دسترسی برابر گروه‌های مختلف اجتماعی به اهداف مورد تأیید از نظر اجتماعی مرتبط می‌داند. زیرا این

نهادی هستند که برای ثبات شخصی آنها و تداوم بی‌دغدغه و آرام کار سیستم اجتماعی ضروری است (پارسونز، ۱۹۶۴).

همان گونه که پیشتر خاطر نشان شد، برداشت کلاسیک دورکیم از ناهنجاری دارای دو جنبه عینی و ذهنی است. با گذشت زمان، هر دو جنبه تقسیم شدند و جنبه روان‌شناختی با موفقیت در مطالعات مربوط به بزهکاری و رفتار انحرافی مورد استفاده قرار گرفت. اما تأکید بر سیاست توسعه، پیشی‌گرفتن از کاربرد روان‌شناختی و تعریف ناهنجاری برحسب موقعیت و منطقه را ضروری می‌سازد.

۳. مفاهیم و اهداف پروژه

آکادمی توسعه سوئیس ناهنجاری را با توجه به هدف خود این گونه تعریف می‌کند: «ناهنجاری به حالتی از هرج و مرج اطلاق می‌شود که در آن یک کیفیت ناپایدار مستعد بحران، بخش بزرگی از جمعیت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در چنین حالتی الگوهای تفسیری فرهنگی ارزش خود را از دست می‌دهند، اتحاد اجتماعی مختل می‌شود، هنجارهای معتبر پیشین رفتاری به همراه تواناییها و شایستگیهای فردی فرومی‌پاشند و عمل هدفمند برای فرد و نیز برای اجتماع هرچه بیشتر غیرممکن می‌شود. نتیجه چنین وضعیتی فقدان کلی جهت و بی‌ثباتی در رفتار است و طبعاً شاید اختلافهای فرهنگی و اجتماعی نیز پیامد بلافصل این وضعیت باشد.

توجه ویژه‌ای باید به رابطه بین وضعیت ناهنجاری و ماهیت آشفته و آشوبزده جامعه جهانی معطوف کرد. از طریق این ارزیابی، ما باید دستاوردهای ناهنجاری را در زمینه گسترش درک

مؤثر درجهٔ تلفیق و ادغام افراد در نظم اجتماعی باشد.

در سالهای اخیر علاقه به مفهوم ناهنجاری تجدید شده است. پیتر هینتز^۱ یکی از نخستین کسانی بود که به رابطهٔ بین ناهنجاری و پیچیدگی روزافزون زندگی اجتماعی اشاره کرد. وی فرضیه‌های متعددی را از نظریهٔ سیستمها در رابطه با ماهیت تنشهای ساختاری و ناهنجاری استخراج می‌کند. تنش ناهنجاری از تلاش فرد کارگزار برای ایجاد موازنه‌ای بین قدرت و اعتبار خود ناشی می‌شود. هینتز واژهٔ «ناهنجاری جمعی» را برای تنشهای ناهنجار که به‌عنوان یک مسئلهٔ اجتماعی و سیاسی بیان می‌شود به کار می‌برد. این تعبیر با برداشت دورکیم از ناهنجاری به‌عنوان حالت اجتماعی گسترده‌ای از ناهنجاری بسیار متفاوت است. به نظر می‌رسد که ناهنجاری جمعی وجوه مشترک بیشتری با وضعیت انطباق مرتون تحت عنوان «شورش» دارد. در این وضعیت، هدفها و وسیله‌های موجود رد می‌شوند و اهداف و وسایل دیگری که با گذشت زمان ظهور و مشروعیت بیشتری پیدا می‌کنند، جایگزین آنها می‌شوند.

به نظر ژان پییر گرن^۲ فرسایش ساختارهای اقتصادی ملی بر اثر عوامل جهانی کردن اقتصاد نقش عمده‌ای در توسعهٔ حالت‌های ناهنجاری در زندگی معاصر ایفا کرده است. گرچه وی تعریف روشنی از خودناهنجاری ارائه نمی‌دهد ولی استدلال او این است که شرایط ساختاری برای این حالت زمانی پدید می‌آید که بیش از این احتمال متمایزی برای تلفیق کلیهٔ فعالیتها در یک سیستم

اوضاع فشارهای اجتماعی را به سمت افراد معینی سوق خواهد داد تا از اهداف فرهنگی یا از شیوه‌های نهادینه منحرف شوند. مرتون معتقد بود که حالت‌های مختلف انطباق که در واکنش نسبت به چنین فشارهایی بروز می‌کند حاکی از حالت ناهنجاری، یعنی محو ساختار متعارف و بهنجار است.

گام بعدی، بحث دربارهٔ این موضوع است که حالت روان‌شناختی ناهنجاری ممکن است با ویژگیهای مختلف کیفیت اجتماعی ناهنجاری در جامعهٔ مدرن مرتبط باشد. مکیور ناهنجاری روان‌شناختی را به‌عنوان «از بسین رفتن حس دلبستگی افراد به جامعه» تعریف می‌کند. به هنگام تحولات سریع، مردم را می‌توان همانند کسانی که زمین زیر پای خود، یعنی وجدان جمعی دورکیم یا ساختار فرهنگی مرتون را از دست داده‌اند، در نظر گرفت. پس از مکیور، لشو سرول^۳ از دیدگاهی روان‌شناختی به مفهوم ناهنجاری پرداخت. سرول معتقد بود که توجه و تأکید اصلی باید بر فرد و طبیعت روان‌شناختی او باشد. یک فرضیهٔ عمومی نهفته در این روش این است که ناهنجاری فردی، بازتاب شرایط اجتماعی است و بنابراین می‌توان از آن همچون یک آینه برای بازتاب ابعاد اجتماعی ناهنجاری استفاده کرد.

تلاشهای زیادی برای توسعهٔ مقیاسهای نگرشی یا روان‌شناختی صورت پذیرفت که مهمترین آنها مقیاس ناهنجاری سرول است. این مقیاس که از پنج عنصر متمایز (سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ارزشی و جامعه‌شناسی اولیه) تشکیل می‌شود تلاش آشکاری برای تحقق نظریهٔ دورکیم دربارهٔ ناهنجاری به شمار می‌رفت. هدف سرول ایجاد یک مقیاس نگرشی بود که قادر به اندازه‌گیری

1. Leo Srole
2. Peter Heintz
3. Jean-Pierre Gern

پیشرفت تکنولوژیکی ارتباط تنگاتنگی با ناپایداری در دو عرصه اجتماعی و اقتصادی دارد. بنابراین، یک تحول هرگز تمامی تغییراتی را که در یک زمان در ساختارهای فرهنگی و اجتماعی پدید می‌آید در بر نمی‌گیرد و هرگز نمی‌تواند آنها را همگرا سازد. دگرگونی هنگامی که سنت، اعتبار و اهمیت خود را از دست داده یا در آستانه از دست دادن آن است، همیشه دلالت بر عقب ماندن از زمان، تفرقه و بی‌نظمی دارد.

بنابراین، تغییر در یک مقیاس کم و بیش بزرگ، به طور منظم نشان‌دهنده تضاد بین گروه‌هایی است که در راه جهت‌گیری دوباره یا رسیدن به موضعی جدید هستند. جامعه‌شناسی از نظر در اختیار گذاشتن معیار و ابزاری برای ترسیم علت‌های تضاد که در ریشه‌های توسعه نهفته است مدیون رابرت مرتون است. اهداف مشترک ممکن است بر مجموعه‌های مختلفی از وسایل دست‌یابی به چنین هدف‌هایی دلالت کند. اما اهداف نیز ممکن است متفاوت باشد و مجموعه مختلفی از وسیله‌ها و هنجارها را دربرگیرد. به هر حال، در یک مسیر مناسب توسعه، هدفها و وسیله‌ها به رغم زمینه‌های متعارضی که جامعه باید از آن بگذرد تا شرایط مدرنتری را عرضه کند یکدیگر را خواهند یافت.

در این صورت، ناهنجاری یک هدف ناپایدار و گذراست و با گامی به سوی نوسازی همراه است. ما به‌طور روزافزون با مواردی روبه‌رو هستیم که در آنها مسیر توسعه سد می‌شود و پدیده‌های ناهنجاری که پیوسته در حال غلیان و جوشش است نشانه‌هایی از فساد اجتماعی و تضعیف هنجارها را همراه دارد و چنین پدیده‌هایی منجر به از بسین رفتن اعتماد در یک محیط اجتماعی

اقتصادی و اجتماعی وجود نداشته باشد. گرن معتقد است که در حال حاضر بین سیستم اقتصادی جهانی حاکم از یک طرف و فعالیت‌های ملی وابسته و سازمانها و نهادهای اجتماعی از طرف دیگر، تناقضی وجود دارد. وی رشد ناهنجاری را در سه نوع کشور مختلف (کشورهای سریعاً در حال صنعتی‌شدن، کشورهای صنعتی پیشین و کشورهای غیرصنعتی) بررسی می‌کند و سپس برخی از اثرهای مهمتر ناهنجاری را در هر یک از این کشورها شرح می‌دهد.

با وجود این که تفسیرهای متعدد ناهنجاری ظاهراً شباهتی به یکدیگر ندارند اما می‌توان وجه مشترکی را در بسیاری از این تجزیه و تحلیلها مشاهده کرد. به نظر ما ناهنجاری را می‌توان به عنوان شرایط حاصل از فروپاشی ساختارهای فرهنگی (نظم هنجاری) تلقی کرد. همچنین می‌توان آن را به‌عنوان شرایط ناشی از فروپاشی ساختارهای اجتماعی خاص، به‌ویژه جوامعی که ساختارهای اجتماعی آنها با درجه‌ای از بی‌ثباتی اجتماعی، در حال گذر از روند تحول است مشاهده کرد. با وجود این ناهنجاری ممکن است حتی در جامعه‌ای که از ساختارهای اجتماعی محکمی برخوردار است، اما از نابرابری دسترسی به منابع، امکانات و اهداف رنج می‌برد، نیز وجود داشته باشد. از آنجا که جامعه به واسطه روابط بین کارگزاران اجتماعی تشکیل می‌شود ناهنجاری را همچنین می‌توان در سطح کارگزاران فردی مشاهده کرد.

5. جنبه‌های کنونی ناهنجاری

ناهنجاری و توسعه

عقل سلیم پذیرفته است که نوسازی، تجدد و

می‌شوند. این نوع ناهنجاری بیشترین توجه را به خود جلب می‌کند.

ناهنجاری به عنوان یک زمینه اجتماعی (جنبه موقتی)

برای اینکه ناهنجاری را به مفهومی برای استفاده عملی در سیاست توسعه مبدل سازیم باید آن را به منطقه و مقطع خاصی از زمان محدود کنیم. گستره زمانی براساس نوعی از ناهنجاری که در آنجا مشاهده خواهد شد (ناپایدار یا پایدار) متغیر است. اما گستره مکانی بروز ناهنجاری از مناطق شهری و حومه شهری گرفته تا خاک یک کشور را در برمی‌گیرد. بحرانهای اسفانگیز در آفریقا شاهی بر مورد اخیر است.

اصل راهنمای نظم بخشیدن به این پدیده‌ها موارد زیر را ارائه می‌دهد:

● تعریفی در بافت توسعه (به بالا مراجعه کنید)

● یک نوع‌شناسی مطابق با ساختار داخلی ناهنجاری

● علت‌های ناهنجاری

● دیدگاهی عمیق نسبت به فرایندهای اجتماعی نظیر جهانی کردن، شهری کردن و مهاجرت گروهی

ناهنجاری، همانند بیشتر مفاهیم تجزیه و تحلیل اجتماعی تاحدودی مبهم به نظر می‌رسد. اما این امر هنگامی که کاربرد جدیدی از این مفاهیم، مستلزم انطباق‌پذیری آن با الگوسازی خلاق است یک مزیت به شمار می‌رود. ویژگی ذاتی بیشتر گفته شده در فرایندهای تغییر، ناهنجاری را به موضوعی برای تجزیه و تحلیل ساختار نهفته مبدل می‌سازد. این امر اصول راهنما

را برای شناسایی شاخصهای یک موقعیت ناهنجار ارائه خواهد کرد.

زمینه‌های اجتماعی را می‌توان براساس «ساختارهای پیشرفت» که (در مورد ناهنجاری) نارساییهای نسبتاً شدیدی را نشان می‌دهد و گروهی از الگوهای رفتاری را آشکار می‌سازد که منعکس‌کننده محرومیت و درماندگی است، تجزیه و تحلیل کرد.

یک تجزیه و تحلیل از ناهنجاری نباید متکی به اطلاعات رسمی در سطح کلی باشد. براساس تعریف ناهنجاری به مثابه یک «واقعیت مسلم اجتماعی» که تنها با ابزار تحلیلی قابل مشاهده است و همانند نهادهای مرئی به آسانی نمی‌توان به آن دست یافت، ناهنجاری اشاره به ساختار نهفته جوامع، به ویژه جوامع در حال تحول دارد. یکی از نقطه ضعفهای متعدد تحقیق درباره مسائل جهان سوم استفاده از موادی است که در خدمت اهداف اداری است. وقوع جنگهای شهری، جنبشهای انقلابی از جمله تخریب و فاجعه عموماً به خاطر نگرشی نادرست یا نامناسب نسبت به یک منطقه مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد. بنابراین جنبه تجربی تحقیق ناهنجاری کاری دشوار است و مستلزم تفسیر کیفی از داده‌هایی است که با این مفهوم سازگار باشد. دوام موقعیتهای ناهنجار به نوع ناهنجاری و میزان شدت و استحکام عوامل مولد ناهنجاری و چگونگی مقاومت آنها در قبال دگرگونیها و تحولات بستگی خواهد داشت.

جنبه‌های متضاد ناهنجاری

در مناطق مبتلا به ناهنجاری هنگامی که سازوکارهای بسازسازی به‌طور منفی انتخاب می‌شوند گرایش در جهت حفاظت از خود ایجاد

ناهنجاری می‌تواند از یک بستر فرهنگی ممتاز برخیزد. تشریح دیدگاه مثبت ناهنجاری تاحدودی ضروری است زیرا دیدگاه منفی را نیز به تصویر می‌کشد.

ب) فرضیه‌های اصلی (بخش تحلیلی)

۱. ناهنجاری، پیدایش و ویژگی‌های آن

منشأ و پیدایش ناهنجاری

ناهنجاری یعنی حوزه‌ی رهایی عقاید اخلاقی راهنما که عامل پیوند یک جامعه است. نکته مهم، شناخت حدودی از ناهنجاری است که جامعه می‌تواند بپذیرد و آن را تحمل کند. جامعه مطلوب، بدون هیچگونه ناهنجاری یک قبیله بدوی است. یک کلیت اجتماعی مبتلا به ناهنجاری کامل که از فردگرایی مطلق رنج می‌برد و یا جامعه‌ای که صرفاً بر قراردادهای کتبی بنا شده باشد، حد دیگر است. اما موقعیتهای اخیر قادر به ادامه حیات نیستند. تمامی پیشرفتهای اجتماعی ارتباط تنگاتنگی با اضمحلال الگوهای اعتقادی و رفتاری پیشین دارند، به گونه‌ای که مقدار معینی از ناهنجاری در کلیه جوامع رواج دارد. تحقیق درباره ناهنجاری در ارتباط با سیاست توسعه مسئله آستانه را مطرح می‌سازد و از آن پس، ناهنجاری به مانعی در مسیر توسعه بیشتر یا حتی به منشأ فساد و حشتناک یا تجاوز دسته‌جمعی تبدیل می‌شود. این آستانه هرگز یک سرآغاز عمومی نخواهد بود و همچنین هرگز دقیقاً قابل پیش‌بینی نیست. اما چگونگی ممانعت آن از هرگونه پیشرفت، هدف هر تحقیق در مورد ناهنجاری است.

ناهنجاری در مقابل «قاعده‌مندی» فرضی تعریف می‌شود، گویی جامعه در راه توسعه همانند یک اجتماع قبیله‌ای یکپارچه باقی خواهد ماند و

می‌شود. اختلافهای قومی بر سر منابع مشترک، زمینه‌های نفوذ در یک منطقه، احیای ادعاها و خصوصتهای دیرینه، حوادث کاملاً شناخته شده‌ای هستند که اوضاع یک منطقه را بحرانی و ناهنجار می‌سازند.

حل و فصل تضادهای اجتماعی که عمدتاً در مناطق شهری مشاهده می‌شود آسانتر به نظر می‌رسد. ناهنجاری ناشی از نابرابریهای اجتماعی به هنگامی که یک تضاد اجتماعی به یک تضاد «نژادی» تبدیل می‌شود دوام و شدت بیشتری می‌یابد. تضادهای اجتماعی از بعد فرایندهای اجتماعی جهانی کردن، ترویج شهرنشینی و مهاجرت دسته‌جمعی باید به عنوان تضادهای قومی یا نژادی، از نو تعریف شود.

ناهنجاری، یک چشم‌انداز مثبت و یک چشم‌انداز منفی

اگر ناهنجاری را در یک بافت توسعه‌ای (همانند بالا) قرار دهیم ناچاریم مسیر آن را در طول روند نوسازی تعقیب کنیم. باید اذعان کرد که کلیه کشورهای که امروزه کشورهای توسعه یافته و مرفه به شمار می‌روند در جریان مراحل اولیه مسیر خود در طول تاریخ، اشکال کم‌وبیش شدیدی از ناهنجاری را در مقیاس اجتماعی و داخلی نشان داده‌اند. بنابراین، جامعه‌شناسی به این اعتقاد راسخ دست یافت که تحت شرایط ممتازی نظیر شرایط غرب، ناهنجاری به عنوان بستری آزمایشی که دانش و شعور جمعی را درباره مسیر توسعه ارتقا می‌بخشد عمل می‌کند؛ ناهنجاری چشم‌آزومندان و خویشانداران را در مرحله‌ای که سازمان اجتماعی هنوز تثبیت نشده است، روشن می‌کند. این از یک دیدگاه مثبت به این معناست که

تماسهای مستمر با رسانه‌ها و فرهنگ و شیوه زندگی غربی دیدگاهی انحرافی از توانمندیها و استعدادهاى خود شخص را به وجود خواهد آورد. اختلاف و تضاد میان مسیر واقعی زندگی و جهانی که شخص آرزوی آن را دارد باعث ایجاد و تعمیق بی‌احساسی و پرخاشگری خواهد شد.

می‌توان منابع ناهنجاری در جهان سوم را با کم‌ارزش شدن مستمر سنتها که با حرکتی سریعتر از جایگزین خود یعنی برابری نوین ادامه می‌یابد مرتبط دانست. اما مسائل جهان سوم را بیش از این نمی‌توان با در مقابل هم قرار دادن سنت و نوگرایی درک و تجزیه و تحلیل کرد. بسیاری کشورها دارای بخشهای بسیار مدرن در مراکز شهری و عقب‌ماندگی فاحش در مناطق روستایی هستند. افزون بر این، ما شاهد سر برآوردن محله‌های فقیرنشین و زاغه‌نشین در حومه شهرها هستیم. اما افزایش بهره‌وری کشاورزی در مناطق روستایی برای آینده کشور بسیار نویدبخش است.

الگوهای مروجیت‌شناسی (جهت‌گیری)، ارزشهای اجتماعی و مفاهیمی که در گذر زمان به خوبی دوام آورده‌اند رو به اضمحلال می‌روند؛ مسئولانی که معمولاً کار تعیین استانداردها (ضوابط و معیارها) را به عهده دارند به تدریج قدرت خود را از دست می‌دهند و گروههای غیرمشرعی که قانون یکجانبه خود ساخته را حاکم می‌کنند جایگزین آنها می‌شوند. طبقاً بین آنان و رقبایشان رقابت شروع خواهد شد و سرانجام نامنی منطقه را فرا خواهد گرفت. این وضعیت وخیمتر نیز خواهد شد، زیرا افراد طبقه متوسط از منطقه کوچ خواهند کرد.

جهت‌گیری غلط و نبود الگوهای معتبر رفتاری نتیجه ناهنجاری است. تحت چنین شرایطی افراد

قوانین اخلاق - به نام هنجارها - شرح داده خواهد شد. اطاعت از هنجارها به مفهوم اظهار تعلق به یک جمع است و انسان تنها زمانی به‌طور عادی و طبیعی (قاعدۀ مندانۀ) عمل می‌کند که این جمع‌گرایی هدف رفتار او باشد. آنچه به وسیله ناهنجاری تضعیف می‌شود این عقیده و احساس است که انسان فقط به خودش تعلق ندارد.

«ناهنجاری ... از نبود عوامل جمعی ... در گروههایی که به منظور نظم‌بخشیدن به حیات اجتماعی تشکیل شده است سرچشمه می‌گیرد. (دورکیم، خودکشی). به نظر می‌رسد که بی‌قاعدگی یک «عقب افتادگی اجتماعی» در جریان پیشرفت اقتصادی باشد: شرایط جدید زندگی صنعتی به‌طور طبیعی مستلزم وجود سازمانی جدید است؛ اما از آنجا که این تحولات با آهنگی پرشتاب به وقوع می‌پیوندد تضاد منافع هنوز فرصت دست‌یابی به تعادل را نیافته است (لیوکز به نقل از دورکیم). گرایشهای ناهنجاری را باید در نظر داشت، اما نمی‌توان آنها را پیش‌بینی کرد. بنابراین، این گرایشها شباهت بسیاری به پدیده‌هایی دارند که برای یک سیاست برنامه‌ریزی، کاملاً شناخته شده هستند و به عنوان پیامدهای ناخواسته اعمال عمدی تعریف می‌شوند (مرتون، ریموند بودون). تحقیقات ناهنجاری باید به‌هنگامی که پیامدهای ناخواسته اجتناب‌ناپذیر می‌توانند زمینه‌ساز پیدایی ناپایداری و فاجعه باشند، جدی و دقیق انجام شود. واکنش افراد به‌هنگامی که امیدها بر باد می‌رود و انتظارات (روزافزون) به شکست می‌انجامد بسیار مهم است و می‌تواند بنیادگرایی را احیا کند. پیشرفت، فقط قشر کوچکی از جامعه را ارتقا می‌بخشد و واکنشهای طبقات دیگر اجتماع را که درصدد حفظ مواضع خود هستند، برمی‌انگیزد.

نتیجه‌ای دست یافت که دارای مفهومی بسیار مشابه نظریه کلاسیک ناهنجاری است: توازن بین تغییرپذیری و انعطاف‌پذیری زمانی برقرار می‌شود که در مورد انعطاف‌پذیری، پیشرفت یا سازماندهی دوباره جامعه امکان‌پذیر و در مورد پایداری نیز، فساد یا تجزیه سیستم اجتماعی ریشه گرفته از آشوب درونی و انطباق غلط، اجتناب‌ناپذیر باشد. انعطاف‌پذیری جنبه مثبت ناهنجاری را در خود می‌پرورد و پایداری، شرایطی را فراهم می‌سازد تا هویتی که قدرت کافی دارد، درجه‌ای از ناامنی را تحمل کند و با جنبه منفی ناهنجاری به مقابله برخیزد. این مسیر مطلوب توسعه فقط ابزاری برای هدف اکتشافی است. یعنی برای مقایسه این که مناطق توسعه‌آموزی تا چه میزان متحول خواهند شد. توسعه همانند برنامه‌ریزی برای آینده حتی در مورد توده مردم، نیاز به ثبات (پایداری) دارد و نباید نابسامانیهای سیاسی، اقتصادی و مالی سد راه آن بشود. این امید و آرزو برای آینده و زندگی بهتر کودکان است که پدران و مادران را به پرداخت هزینه‌های تحصیلی فرزندانشان و کاهش حجم خانواده تشویق می‌کند. توازن بعدی برای آینده‌ای پایدار حائز اهمیت است و یک ناهنجاری روزافزون که می‌تواند آن را متزلزل سازد، بین گروهها پدید می‌آید. مبارزه گروهها بر سر یک سلسله منابع مشترک، خصوصت‌هایی را بین آنها برمی‌انگیزد که به ایجاد اتحاد محکمی میان برخی از گروهها منجر می‌شود. ولی گروههای کاملاً متحد قادرند زمینه معقولی را برای اجرای رقابتها بیابند. اگر گروهها در هراس دائمی نسبت به از دست دادن ساختار خود باشند و احساس همبستگی در بین اعضای گروه تضعیف شود، روابط گروهی، سست و سپس تجزیه خواهد شد و در دام فردگرایی

باید قوانین رفتاری جدید بیابند. در این حالت خلق الگوهای پایداری که بتواند در شرایط جدید، پاسخگوی یک جامعه دگرگون‌شده باشد (جنبه افقی) نیاز به زمان خواهد داشت. گذر از نظم اجتماعی دیرین به نظم اجتماعی نوین به دلیل شکل‌گیری مجدد طبقه‌بندی در سلسله‌مراتب اجتماعی که لازمه چنین تغییری است همیشه با رقابت و اختلاف بین گروهها همراه است. ترفیع و تنزل بخشهای اجتماعی هرگز کار بی‌دغدغه و آرامی نیست (جنبه عمودی). می‌توان نشان داد که چگونگی ظهور ناهنجاری در مقاطع حیاتی در واقع جست‌وجویی برای بازیابی الگوهای پایدار و مبارزه‌ای برای کسب جایگاه در اجتماع جدید است که در مسیر حرکت به سوی تغییر، تصویر روشن نقشها، انتظارات و آینده را مبهم ساخته است. تحت شرایط ناامنی، انگیزه افراد برای پیشرفت، مبنای بازسازی پایدار اقتصادی را تشکیل می‌دهد. اما این انگیزه به وسیله انگیزه کوتاه‌بینانه منفعت‌طلبانه‌ای که موقعیت سریع مادی را هدف گرفته است، تهدید می‌شود. اگر انگیزه دوم بر انگیزه اول غالب شود وضعیت ناهنجار را تقویت می‌کند و برای کل جامعه مخرب خواهد بود. اگر انگیزه پیشرفت و انگیزه موفقیت غالب شود، گذشت زمان موجب تحکیم اقتصادی خواهد شد. ارزشها به‌عنوان اصول راهنمای قوانین و هنجارها، هویت فرهنگی جامعه را شکل می‌دهند. ما از رابطه متقابل ساختار ارزشی ریشه‌دار و یک هویت فرهنگی و حتی ملی آگاه هستیم. حالت‌های ناهنجار، بازتاب بی‌نظمی اجتماعی و آشفستگی فردی هستند و در عین حال از شکل‌گیری هویت‌هایی که جامعه را قابل اعتماد می‌سازد ممانعت به عمل می‌آورند. تفکر سیستم مدرن به

مخرب گرفتار خواهد آمد. در چنین وضعیتی، شرایطی از ناهنجاری فاجعه‌آمیز ظهور خواهد کرد. سناریوی دیگر ناهنجاری (که اغلب در قاره آفریقا به چشم می‌خورد)، مبارزه گروه‌های قومی کاملاً متحد در مقابل توسعه‌طلبی‌های مقام‌های یک کشور مبدون است. این نبرد ریشه در مرزبندی‌های مصنوعی دارد که قدرتهای استعماری پیش از ترک آفریقا ترسیم کرده‌اند. رقابتها و تنگ‌نظریها منشأ همیشگی ناهنجاری هستند زیرا نباید در درازمدت سرکوب شوند. افزون بر این، عقل سلیم حکم می‌کند که این رقابتها در جامعه وجود داشته باشد تا به انفجار و طغیان عمومی نینجامد. رقابت بین گروهها را که به‌عنوان یک سوپاپ اطمینان عمل می‌کند، می‌توان یک «نهاد معقول» نامید. هر گروهی وضعیت خود را با دیگران مقایسه می‌کند و در نتیجه، یک احساس «محروریت نسبی» با توجه به دیگران رواج پیدا می‌کند. وضعیتهای ناهنجار احتمال بروز تضاد را در جوامعی منعکس می‌کنند که الگوهای رفتاری و انتظارات را در هم شکسته‌اند و پایه‌های اعتماد را که زندگی عمومی بر آن استوار است از بین برده‌اند. تعرض و خشونت‌های آشکار قومی در حال حاضر، ملتها را در تمام جهان به خود مشغول کرده است (فاجعه بوسنی در بالکان، قتل‌عام‌های پایان‌ناپذیر در روندای و بحران در جمهوریهای شوروی سابق) و اکنون در بین جامعه سیاهپوست امریکا نیز به وضوح مشاهده می‌شود.

ویژگیهای ناهنجاری به‌عنوان یک ابزار

از ناهنجاری به‌عنوان مفهوم ابتکاری غالب به‌منظور تجزیه و تحلیل بی‌نظمی اجتماعی برای دستیابی به اهداف علمی و همچنین سیاسی استفاده خواهد شد. از آن به‌عنوان یک ابزار تعیین

وضعیت (شناخت) درخصوص این موضوع که چه چیزی را باید ارتقا بخشید و از چه چیزی باید اجتناب ورزید نیز بهره گرفته خواهد شد. به‌دنبال آن یک مبنای اطلاعاتی برای برنامه‌های مداخله، نظارت و کنترل نتایج مداخله به وجود خواهد آمد. ناهنجاری به‌عنوان ابزاری برای تجزیه و تحلیل و عمل، همچنین جنبه‌های مهمی از حیات اجتماعی و توسعه اجتماعی را منعکس می‌سازد. برای توصیف «ظرفیت پوششی» مفهوم ناهنجاری، رابطه بین فرد و جامعه را در نظر بگیرید:

انسان به‌عنوان یک موجود اجتماعی «هویت» و جایگاه خود را در جامعه به‌دست می‌آورد و نقشهای اجتماعی توسط جامعه‌ای که انسان جزئی از آن است به او واگذار می‌شود. جامعه، با تمامیت قوانین حاکم بر رفتاری که او می‌تواند از جامعه انتظار داشته باشد و برعکس، رفتاری که جامعه انتظار پیروی فرد را از آن دارد، تجلی می‌یابد.

ناهنجاری به‌طور آشکار پدید نمی‌آید بلکه به‌طور نهفته شکستل می‌گیرد (نگاه کنید به ساختار نهفته). مفهوم واقعیت براساس سنت، میزان تحصیلات و تجربه ارتباطی در بین عموم شکل می‌گیرد. شعور عمومی یا عقل سلیم و نگرشهای مبتنی بر تجربه، مشروعیت قوانین را تعیین می‌کنند. قوانین تحمیلی نهادها به‌ویژه دولت ممکن است به‌طور رسمی، مشروع باشند اما با عقاید و اعتقادات درونی جامعه، تطبیق نکند.

قوانین در زندگی اجتماعی توسط قدرت اجتماعی تعیین و اعمال می‌شود. دورکیم، پدر و بنیانگذار ناهنجاری، از فشار و محدودیت صحبت می‌کرد. ناهنجاری را می‌توان برحسب مشروعیت نابرابر، تقسیم بسیار متفاوت و کنترل ناکافی اهرمهای قدرت بیان کرد. نمونه‌های بارز آن

عبارت‌اند از:

● هسنگامی که ساختارهای قدرت حاکم فرومی باشد واحدهای کوچکتر نظیر نهضت‌های قبیله‌ای، جغرافیایی یا شبه‌ملی‌گرای مستعد دست‌یابی به قدرت، پدیدار می‌شوند. با سقوط ساختارهای نامشروع، نهضتها و گروه‌های یادشده موجود برای برتری و تسلط بر اوضاع به نبرد با رقیبان می‌پردازند. یوگسلاوی نمونه‌گویایی از این پدیده است.

● در کشورهای در حال توسعه، فرایند نوسازی، شکاف بین ساختارهای قدرت سنتی و قوانین تحمیل‌شده توسط یک فرهنگ فنی (تکنیکی) را تشدید می‌کند. این مسئله که این دو بخش در یکدیگر تداخل و همپوشی دارند و با یکدیگر سازگار نیستند، تضادهایی را برمی‌انگیزد. کمرنگ‌شدن باورهای سنتی، واکنش عاطفی مردم را تحریک می‌کند و تهدید سنتها و اعتقادات دیرینه توسط سازوکار حاکم بر جامعه، نهضتها را به سمت «بازگشت به ارزشهای سنتی» هدایت می‌کند. آنچه که در غرب، بنیادگرایی در جهان اسلام خوانده می‌شود، اساساً برداشت غرب را از دمکراسی به زیر سؤال برده است. اما در جوامع غربی تضاد بین مذهب یا ایدئولوژی براساس سلسله مراتب کشیشان و مقامهای غیرمذهبی، موجب ناهنجاریهای شدید، عمیق و دائمی شده است. نهضت‌های مذهبی، فرهنگی و قومی که ریشه در اعتقادات دینی مردم ندارند در شکل‌های جدید امپریالیزم ترکیب خواهند شد.

● در نیمکره غربی یعنی جهان صنعتی، قوانین تحت حمایت صاحبان گرایش‌های حاکم به‌طور روزافزونی در زندگی اجتماعی جنبه رسمی یافته است. کثرت قوانین و مقررات رسمی را نمی‌توان

بر حسب ضرورت‌های اجتماعی توجیه کرد، زیرا این قوانین از نظر اجتماعی زائد تلقی می‌شوند چرا که تنها در خدمت قدرتهای حاکم‌اند و به‌عنوان قوانین خالی از مفهوم استنباط و تلقی می‌شوند. قدرت تازه‌نفس ساختارهای اجتماعی مبارزه علیه چالش‌های به‌پاخته را می‌بازد و موجب بروز اصطکاک و ناهنجاری قریب‌الوقوع می‌شود. قوانین افراطی، فزون‌هنجاری (بیش‌قاعدگی، بیش‌هنجاری)، و عادی‌سازی یکدیگر را تقویت می‌کنند و در دور باطلی گرفتار می‌شوند و به ناهنجاری نهفته یا آشکار منجر می‌شود.

کثرت قوانین رسمی و فردگرایی افراطی، همچنین روابط قدرت را از موازنه خارج می‌کند و در نتیجه، همکاری بین افراد و نهادهای اجتماعی با مشکل مواجه می‌شود و سرانجام کارایی نهادها کاهش می‌یابد.

۲. انواع ناهنجاری و توزیع مکانی آن

میزان و سطوح ناهنجاری

ناهماهنگی و تنش میان ساختار فرهنگی و ساختار اجتماعی یک نظام اجتماعی به درجات مختلفی ظاهر می‌شود و به انعطاف‌پذیری و باز بودن ساختار اجتماعی وابسته است. اما تنها انعطاف‌پذیری و باز بودن برای توصیف حدود و ماهیت این تنش کافی نیست. اینکه عاملان اجتماعی به‌طور جمعی از کدام دیدگاه به ارزیابی مزایای تغییر یا حفظ ساختارهای هنجاری می‌پردازند نیز حائز اهمیت است. به‌عنوان مثال، باید به این پرسش پاسخ دهند که آیا ساختار اجتماعی جدید، در صورت حرکت به سمت جهانی‌سازی اقتصاد، زندگی بهتری را نوید می‌دهد؟ اگر چنین است، و ساختار اجتماعی

موجود به طور منطقی انعطاف‌پذیر و باز است، پس میزان گسترش تنش‌های ناهنجاری را که بالقوه با تحول اجتماعی پیوند دارد، می‌توان به حداقل رساند.

ارزشهای اصلی را می‌توان تقریباً با سهولت جایگزین ارزشهای جنبی قبلی کرد. این امر ممکن است به دنبال یک دوره انتقالی که برخی گروهها سطوح افزایش یافته‌ای از ناهنجاری را تجربه می‌کنند تا یک ساختار فرهنگی جدید مشروعیت پیدا کند روی دهد. این تحول و تغییر ممکن است هرگز به مرحله تکامل نرسد، زیرا امکان دارد ارزشهای اصلی دست نخورده باقی بمانند، اما در رقابت دائم با ارزشهای جنبی باشد. این گونه مفهوم‌سازی، ماهیت تنش‌های اجتماعی ناشی از سیاستهای چند فرهنگی و مهاجرت دسته‌جمعی را روشن می‌سازد.

سومین حالت ناهنجاری افراطی شاید در جایی باشد که هیچ نظام ارزشی متداولی ظاهراً وجود ندارد. سومالی، لیبیا یا رواندا گاهی به عنوان نمونه‌هایی از این دست ذکر می‌شوند. این حالت همان توصیف حالت کلاسیک دورکیم از ناهنجاری است. به نظر می‌رسد که فرایندهای معاصر گرایش به شهرنشینی و مهاجرت انبوه باعث تشدید تنش‌های ناهنجاری با هر میزان و درجه‌ای می‌شود و زمینه‌ای را فراهم می‌کند تا ناپرابسریهای کنونی از راه‌های مختلف به ساختارهای اجتماعی راه یابد و خود را آشکار سازد.

برای تکمیل بحث قبلی به خصوص میزان ناهنجاری لازم است به این موضوع توجه کنیم که ناهنجاری همچنین ممکن است در سطوح منظم مختلفی روی دهد. یعنی ناهنجاری ممکن است به

خاطر بروز تنش بین زیر مجموعه‌های مختلفی که یک فرد در آن عضویت دارد پدید آید. در نظامی که ویژگی آن ثبات اجتماعی است، تنوع عضویت در زیرمجموعه‌ها یعنی جایی که فرد ممکن است در جایگاه‌های مختلفی قرار گیرد و برخی از مقیاسهای ارزشی را در خود نهادینه کند، باعث افزایش تنش‌های زیرمجموعه‌ای نمی‌شود و ناهنجاری روی نمی‌دهد. امکان دارد بین اهداف تعیین شده فرهنگی و شیوه‌های تعیین شده ساختاری تنش ایجاد شود. اما میزان و دامنه این تنش به واسطه وفاداری مستمر به گزینه‌ای از ارزشهای اصلی به حداقل برسد و نظم هنجاری و ساختار اجتماعی، مشروعیت خود را در جنبه‌های معینی حفظ می‌کند.

اما، هنگامی که تنش‌های ناهنجاری بین زیرمجموعه‌ها روی می‌دهد و ساختار فرهنگی اصلی زیر سؤال می‌رود ناهنجاری ممکن است پدید آید. یک بار دیگر، این امر بستگی به حالتی دارد که به موجب آن، هنگامی که ارزشهای اصلی نفوذ و جایگاه خود را از دست می‌دهند، ارزشهای جنبی به‌طور کامل جایگزین آنها نمی‌شود. بنابراین، فرد هنگامی که میزان تنوع در شیوه‌های مختلف عمل فزونی می‌گیرد قادر نخواهد بود مسیر زندگی روزمره را پیماید.

حالت شدیدتری از ناهنجاری در شرایطی روی می‌دهد که تنش‌های ناهنجاری در تعدادی از زیرمجموعه‌های نظام اجتماعی بزرگتر رواج می‌یابد. هنگامی که تنش بین زیرمجموعه‌ها تشدید می‌شود آهنگ توسعه حالت فراگیر ناهنجاری یعنی «ناهنجاری جمعی» شتاب بیشتری می‌گیرد. در موارد معینی تلاشهایی صورت خواهد پذیرفت تا بار دیگر اساس زندگی اجتماعی تحکیم

خاطر تکرار افراطی و بی‌وقفه آنها در این منطقه توسط «موارد جدید» بی‌فایده است (فقر خودجوش مالتوسی). تفاوت بین بند ۱ و بند ۲ یک تفاوت اکتشافی است که برای نشان دادن ویژگی کلی (۱) و پویایی درونی یعنی حلقه بازخورد منفی که آن را به پدیده‌های فراتر از یک امر گذرا و ناپایدار بدل می‌سازد (۲) به کار می‌رود.

۳. ناهنجاری مولد انحطاط

در مناطقی که در دام دور باطل حلقه خوشبختی و رفاه، و در عین حال، تضعیف عوامل احیا و بازسازی افتاده‌اند، بی‌هنجاری، ناامنی و احساس فقدان قدرت در ساکنان (اهالی) منطقه، دست به دست یکدیگر می‌دهند و فرایند انحطاط و تباهی را پدید می‌آورند. چنین منطقه‌ای در درجه اول (یعنی به گونه‌ای بی‌تناسب) از یک محرومیت دائمی که توسط جامعه بزرگتری به آن تحمیل شده است و همچنین از دگرگونیهای ناشی از وحدت جهانی رنج می‌برد.

۴. ناهنجاری همراه با تغییر اجتماعی

ناهنجاری یک مرحله زودگذر در فرایند تکامل فرهنگی است. تکامل فرهنگی به‌عنوان فرایند نامنظمی از تغییر و سازماندهی دوباره، مبنای هستی یک جمعیت محسوب می‌شود. بنابراین، مرحله تلاشی و تفرقه، یک «هرج و مرج مولد» در مسیر رسیدن به شکل تکامل یافته‌تری از سازمان اجتماعی تلقی می‌شود. در مرحله انتقالی شبه ناهنجاری، جامعه در شرف دست‌یابی به فرصت «داروینی» برای شرایط مناسبتر بقا قرار می‌گیرد.

یابد. واقعه پاکسازی قومی در جمهوری بوسنی هرزگوین در بالکان نمونه تازه‌ای از یک چنین واکنشی است. تنشهای ناهنجاری در داخل حکومت‌های متشکل از قوم یا ملت ممکن است کاملاً ناشی از روابط آنها با حکومت‌های دیگر در چارچوب نظام جهانی باشد. فرایندها و پویایهای عمومی بی‌قاعدگی نوعی شناخت نسبت به مواردی از تضاد بین‌المللی مانند تنشهای بین جمهوریهای شوروی سابق و وقوع جنگ در بین این جمهوریها را به دست می‌دهد.

چهار نوع ناهنجاری

از یک سو، عوامل درونی نظیر نوسازی مستمر و همچنین پیدایش تکنولوژیهای جدید به‌عنوان یک معضل جمعیت شناختی، و از سوی دیگر، عوامل بیرونی نظیر اقتصاد جهانی، فشار مهاجرت، و قبیل‌های کردن تعیین‌کننده ناهنجاری هستند. در کنار این عوامل، عوامل دیگری نیز در سطوح خرد و کلان ظاهر می‌شوند:

۱. مناطق محروم

محرومیت مستمر به دلیل فقدان سرمایه‌گذاری تداوم دارد و حتی خدمات اجتماعی، پیوسته رو به کاهش می‌رود: مناطق بدنام مرکز جرایم، جرم (تبهکاری، اعتیاد)، خانوارهای زن‌سالار، عدم مشروعبیت، بی‌کاری.

۲. ناهنجاری: پویایی داخلی و خود-ترمیم آن

شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، تأیید سرمایه‌گذاریهای دولتی و خصوصی را از بین می‌برد به گونه‌ای که ناهنجاری به‌عنوان یک پدیده خودنگه‌دار تلقی می‌شود. تخفیف مقیاسها به

چهار نوع الگوی بی‌هنجاری

رکود، انتقال قدرت، فساد

۳. بی‌هنجاری مولد فساد:
بی‌هنجاری‌ای که فساد در یک سیستم فرهنگی و فلج بودن عوامل بازسازی آن را نشان می‌دهد.

بعد زمانی

۴. بی‌هنجاری همراه با تحول اجتماعی:
بی‌هنجاری به‌عنوان یک مرحله‌گذرا در خلال تکامل فرهنگی؛ آشوب سازنده؛ یا نتیجه موفقیت‌آمیز

۱. وضعیت الگویی:
تواضعی بدنام، نبود سرمایه‌گذارانها و خدمات اجتماعی (فساد شهری)

بعد مکانی

۳. بی‌هنجاری: پویایی داخلی و خود ترمیم آن:
بی‌هنجاری ناشی از حلقه‌های بازخورد منفی، دام سطح پایین تعادل

دینامیک تکامل

ناهنجاری به عنوان شریک و همدست

برای بررسی ناهنجاری به عنوان یک همدست به صفحه زیربخش «ناهنجاری: چشم‌انداز مثبت و چشم‌انداز منفی»، که درباره جنبه‌های منفی ناهنجاری صحبت کردیم مراجعه کنید. این تجربه عبارت از یک حالت بی‌هنجار توأم با تغییر است، مانند تغییر در سطح زندگی، سازماندهی دوباره یا واژگونی یک سلسله مراتب اجتماعی و نظیر آن. ناهنجاری از این دیدگاه یک پدیده گذراست و گاهی به عنوان فرصتی برای یک جامعه به‌منظور رسیدن به مرحله جدیدی از زندگی و زایش، جلوه می‌کند. بنابراین ما از «فرصت دارویی» که در جریان آن ساختارهای یک جامعه به جامعه‌ای نوین و شیوه‌های زندگی افراد وابسته است و در عین حال کیفیت آن را بهبود می‌بخشد صحبت می‌کنیم. ما این مرحله را با نامهای دیگری نیز می‌شناسیم: از «مرحله‌ای از تجزیه و فروپاشی یا جابه‌جایی فرهنگی صحبت می‌کنیم؛ در همه این موارد، مرحله‌ای از بازسازی جامعه به سمت سطح بالاتری از سازمان در نظر مجسم می‌شود.

ناهنجاری هنگامی که از قدرت و شتاب کافی برای مقابله با مراحل فرایند برخورداری باشد به یک «خطر برای توسعه فرهنگی» تبدیل می‌شود. تصور ما این است که هرگونه شکستی در راه نوسازی یا تکامل فرهنگی مواردی از ناهنجاری را به بار خواهد آورد. در مورد بُعد زمانی ناهنجاری؛ این بعد می‌تواند نسبتاً پایدار یا گذرا باشد. اما در هر حالت، وضعیت کاملاً متفاوتی را نشان می‌دهد. درباره بُعد مکانی ناهنجاری، ما مناطق، نواحی، بخشها و حوزه‌هایی را که نوع خاصی از پدیده بر آنها حاکم است ثبت می‌کنیم. این مناطق به هنگامی که رقابت‌گروها بر سر منابع با آرمانها و

ارزشهای بی‌ثبات، به انحطاط می‌گراید بی‌هنجار می‌شوند.

شاخصها، نشانه‌های ضعف و گنجینه‌ها؛ سناریوهایی برای تشخیص ناهنجاری

در تشخیص ناهنجاری در مراحل اولیه باید به دو سطح توجه داشت. سطح نخست، حوزه شاخصهای کم‌ویش قطعی است. سطح دوم، حوزه به‌اصطلاح نشانه‌های ضعف است: آن دسته از واکنشهای قابل مشاهده‌ای که پیش‌درآمدی بر ناهنجاری است. با توجه به این که قصد ما تکیه بر «ساختارهای اجتماعی نهفته» است این هر دو سطح با یکدیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سیستمهای شاخص در ساده‌ترین شکل خود، به‌عنوان مثال، فهرستی از احتمالات را ارائه می‌کنند: چه عواملی ممکن است تحت تأثیر عوامل دیگری قرار بگیرند. این فهرست، با کسب تجربه بیشتر، غنیر می‌شود و به شبکه‌های احتمالات راه می‌یابد. در این سطح می‌توان فرض کرد که کلیه عوامل مهم یا احتمالاً مربوط و مناسب، مورد نظر قرار گرفته است. این امر نوعی اطمینان و امنیت به وجود می‌آورد که عوامل نهفته قابل توجهی از نظر دور نمانده است. بررسی درستی و اعتبار در داخل شبکه، که اکنون از نظر گرایش به انسجام و تکامل رسیده است میسر می‌شود.

از آنجا که توسعه و پدیده‌های ناهنجاری لازم و ملزوم یکدیگرند شاخصهای ناهنجاری جدا از شاخصهای توسعه عمومی نظیر آنچه که در کادر می‌آید مشاهده نخواهد شد و مورد استناد قرار نخواهد گرفت.

شاخصهای برگزیده توسعه

- سطح انتقال از نظامهای قانونی سنتی و برگزیدگان قدرت به نظامهای رقابتی نوین
- درجه اعتقادات بنیادی سنتی، عقاید و مذهب
- توسعه جمعیت: رشد، تراکم، شهرسازی، مهاجرت بین‌المللی
- مرحله صنعتی شدن
- سطح انتقال در بخش کشاورزی
- میزان رسمی کردن قوانین اساسی و مقررات
- میزان اداری کردن
- میزان متمرکز سازی
- اشکال روابط اجتماعی (ساختارهای خانوادگی، نقش زنان، تحصیل)

۱. قومی و قبیله‌ای: بخش جنوبی صحرای افریقا
۲. طبقه بالای پس از استعمار و بومیهای متحدنشده: امریکای لاتین
۳. بنیادگرایی مذهبی در تعارض با تجدد (نوگرایی) اقتصادی: کشورهای اسلامی
۴. نوگرایی به شیوه اروپایی براساس زمینه‌های سنتی: ژاپن و کشورهای آسیه‌آن.
۵. «راه سوم» ویژه تکامل فرهنگی به شیوه‌ای استبدادی از نوگرایی: چین
۶. برتری کشور در اختلاف شدید مذهبی، اقتصادی و فرهنگی: شبه قاره هند

□

حتی جهانی کردن اقتصاد، شکاف بین شمال و جنوب را از نظر استانداردهای رفاهی از بین نخواهد برد. الگوی اروپایی نوگرایی که به طور پیاپی، کلیه مراحل را از بی‌سوادی محض به سمت رفاه و رونق پشت سر گذاشته است، در مناطق خاصی از جهان در حال توسعه با موانعی روبه‌رو می‌شود. انواع ناهنجاری نظیر آنچه که در بالا شرح داده شد در ترکیب با توصیفی از ویژگیهای مناطق توسعه، امکان واقع‌گرایی و دقت بیشتر را در کمک به توسعه فراهم می‌سازد.

ج) نتایج و رابطه آنها با فعالیت سیاسی (بخش کاربردی)

۱. الگوسازی ناهنجاری به‌عنوان یک سیستم اعلام خطر
- «دانستن برای پیش‌بینی و پیش‌بینی برای پیش‌گیری»

تعریف جست‌وجو برای شاخصهای ناهنجاری، عمومی دارد. آگاهی از ویژگی غیرواقعی فهرستهای رسمی شاخصها و آگاهی از علاقه اصلی ما نسبت به فرصتها و ساختارهای پنهانی به‌عنوان مکانی که پدیده‌های ناهنجاری را می‌توان کشف کرد، و ایجاد فهرستی از شاخصهای ناهنجاری مرحله بعدی خواهد بود. شاخصهای ناهنجاری بنا بر تعریف، به شکستها، گمراهیها و خطرات عمومی در راه توسعه مربوط می‌شود. در صفحه بعد فهرستی آزمایشی از این گونه شاخصهای ناهنجاری را مشاهده می‌کنید.

این فهرست فقط به فرایندهای تحقیقاتی اشاره دارد و یک فهرست کامل و جامع نیست.

مناطق توسعه

مناطق توسعه را می‌توان با شش نوع از تفاوت ملی و اجتماعی زیر مشخص کرد:

شاخصهای برگزیده ناهنجاری

● ممانعت و خودداری از نوآوری

- فقدان میل به تجربه جدید

- فقدان انگیزه توضیحی به خاطر از پافشاری بر اثر ترس از ناشناخته‌ها (اغتشاشها و شورشها را با عملیات محرومیت زدایی از محله‌های فقیرنشین مقایسه کنید)

● شاخصهای وابستگی در یک وضعیت

رکود و محرومیت

- سازگاری در رفتار انحرافی

- احساس ناتوانی و درماندگی (تغییرات ضروری به‌طور وحشتناکی دور از دسترس به نظر می‌رسد)

- عدم اعتماد به نفس، ناامنی، سیر قهقراپی

● مقاومت نسبت به تغییر در نظامهای

اجتماعی

- فشار بر روی سازگاری با هنجارهای دارای استانداردها و انتظارات مختلف

- سطح وحدت جمعی (پاره‌فرهنگی): تغییر یک بخش بدون تأثیرگذاری بر بخشهای دیگر

کار دشواری است.

- قدرت طلبی در محیطهای قبیله‌ای به وجود

آورنده مناطق بی‌هنجار در بین آنها

- اثرات پشتیبانی و آزادی عمل: موفقیت‌های

حاصل از تلاشهای خود فرد، تغییر را امکان‌پذیر

می‌سازد؛ فقر، منابع موجود برای بهبودی را

محدود می‌سازد.

رفاه و سعادت که در بردارنده شکل

خودجوشی از ناهنجاری است که در غیر این

صورت، به سقوط و فروپاشی خواهد گرایید.

- رفاه و سعادت بازدارنده یک فشار روحی که

ممکن است انگیزه آمادگی برای هرگونه تغییر

بنیادی باشد.

- رفاه و سعادت در لبه فروپاشی به خاطر

جذب «موارد برای کمک» با یک آهنگ افزایشنده

- ارتباطات محدود عموماً منوط و مقید به

قدرت طلبی و ناهنجاری است: فقدان جریان

آزاد و ارتباطات، اعتماد متقابل، و روابط

حمایتی متقابل بین اشخاص.

فرض شد به‌عنوان مجموعه، سلسله مراتب، و شبکه‌ای از شاخصها به تصویر کشید؟ به بیان نسبتاً کلی، ناهنجاری به عنوان نشانه نمونه‌وار تباهی اجتماعی، به معنای واقعی کلمه، به شمار می‌رود. ناهنجاری یا هسته فساد اجتماعی را تشکیل می‌دهد و یا به‌عنوان یک نماد ویژه آن را همراهی می‌کند. به‌علاوه، در بیشتر موارد، ناهنجاری به‌عنوان یک نیروی محرکه فساد اجتماعی عمل

شناسایی پدیده‌های ناهنجاری و الگوسازی ساختارهای ناهنجاری و همچنین تشریح جنبه‌های محلی به‌عنوان پایه‌ای برای مداخله ناهنجاری طراحی می‌شود. در اینجا دو پرسش اولیه مطرح می‌شود. نخست این که در کدام موارد پدیده ناهنجاری را می‌توان به‌عنوان شاخص (راهنمایی) برای توسعه‌های اجتماعی به کار گرفت؟ و دوم این که چگونه می‌توان ناهنجاری را چنانکه در بالا

می‌کند. در حالت معکوس، باید این امکان وجود داشته باشد که ناهنجاری را بر حسب ساختار و توسعه اجتماعی تعریف کرد. طراحی یک راهبرد، یک خط مشی و شیوه‌های اجرای آنها بر پایه این فرضیه‌ها، که در بالا به روشی تجربی به تأیید رسیدند، انجام خواهد شد. به زبان ساده، این فرضیه‌ها اساس یک سیستم اعلام خطر مبتنی بر ناهنجاری را تشکیل خواهند داد.

سیستمهای اعلام خطر به الگوهایی از وضعیتها متکی هستند که برای نظارت بر آنها طراحی می‌شوند. روش مطلوب این است که مجموعه‌ای از الگوها طراحی شود: نخست از حالت‌های به‌هنگار، به‌عنوان مثال وضعیتهایی که از قوانین کاملاً متعادلی برخوردارند؛ سپس الگوهای از وضعیتهای نابه‌هنگار و الگوهای از نتایج ناهنجاری و غیره. سیستمهای اعلام خطر ویژگیهای مهم الگوهای ساخته شده را تعیین می‌کنند و آنها را با «شاخصها» برجسب می‌زنند. تاکنون ثابت شده است که استخراج الگوهای ایستا از نوع مطلوبی که قبلاً بحث کردیم و مثالهای کمکی تجربی که برشمردیم کار دشواری است. این امر بیشتر در مورد طراحی الگوهای پویای ظهور ناهنجاری، توسعه ناهنجاری در طول زمان و دوره‌های احتمالی تجزیه ساختارهای اجتماعی مبتلا به ناهنجاری مصداق دارد.

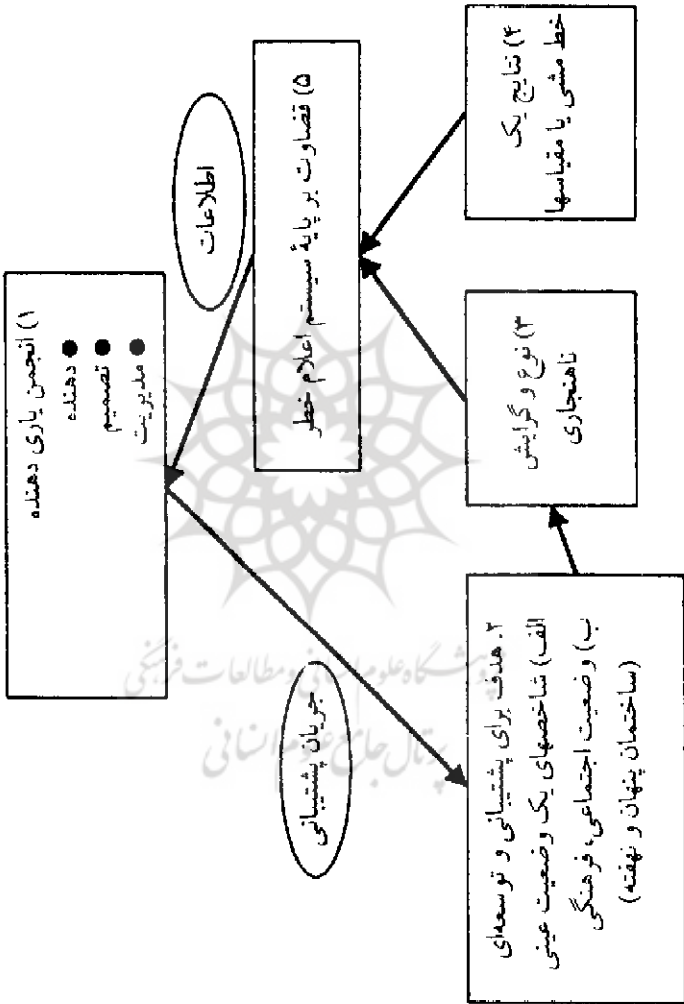
۲. چارچوبهای مرجع: الگوهای جامعه

ناهنجاری به عنوان حالتی از جامعه تعریف می‌شود که در آن قوانین و مقررات، اگر نگوئیم تماماً، به‌طور مناسب عمل نمی‌کنند. این عبارت،

عبارت چندان مبهمی نیست. ابهام، در صورت وجود، نشان می‌دهد که وضوح مفهوم ناهنجاری بستگی به شفافیت الگویی از جامعه دارد که الزاماً باید به صورت فرضیه درآید. علاوه بر این، تعریف ناهنجاری مجموعه‌ای از فرضیه‌ها را درخصوص یک حالت قاعده‌پذیر یا به عبارت دقیقتر، یک حالت کاملاً متعادل یا تحت حاکمیت قانون شامل می‌شود. همانند مورد ناهنجاری، الگوهای راهبردی و سیستمهای اعلام خطر متناسب با آن و همچنین الگوهای عملیاتی را باید به تدریج طراحی کرد. از یکسو پدیده‌های تاریخ واقعی که موقتاً مورد تجزیه و تحلیل و ارزیابی قرار گرفتند و از سوی دیگر الگوسازی آزمایشی، یکدیگر را تقویت خواهند کرد.

ناهنجاری، بنا بر تعریف، نشانه‌ای از حالت انحراف و تغییر شکل اجتماعی است. بنابراین، حداقل تا حدودی، می‌توان آن را به صورت کمی درآورد تا بتوان مقیاسی برای سازگاری با هنجارها و همچنین انحراف از هنجارها به دست داد. سیستمهای اعلام خطر الزاماً اشاره به شاخصهای ناهنجاری و این که چگونه آنها از عهده روند توسعه برمی‌آیند دارند. نیازی به توجیه نگرشهای مختلف شیوه‌های زندگی غربی و شرقی و جهانی کردن مردم و اعتقادات نیست. به نوبه خود، چگونگی عملکرد اجتماعی به ویژه اقتصادی را تعیین می‌کنند. آنها اصولی را که پایه تأسیس نظامهای اجتماعی (خانواده، جامعه، دولت) هستند مشخص می‌سازند. آنها قوانین و سنتهای اجتماعی نظیر مالکیت، وحدت، مسئولیت و روابط درونی متقابل را شکل می‌دهند. ناهنجاری را باید براساس این که تا چه میزان بر شبکه‌های همکاری یک جامعه تأثیر دارد ارزیابی کرد.

ناهنجاری و شرایط توسعه



خلاصه: سیستمهای اعلام خطر برای طراحی راهبرد و عمل

در اینجا نیز کلیه مسائل کاملاً شناخته شده سیاست اجتماعی و اجتماعی - سیاسی مطرح می شود. به ویژه اگر حریم فرهنگی بومی زیر پا گذاشته شود، همگان اعتراف دارند که تحقیق، صرف نظر از عدم موفقیت در اجرای برنامه، ناهنجاری، طراحی ناهنجاری و به ویژه خط مشی ناهنجاری نسبت به مغایرتها و ناسازگاریها تا چه حد نسبت به وقوع اشتباهها در خط مشی، حساسیت دارند؛ نتیجه گیری نمی تواند به یک خط مشی که از هر گونه مداخله می پرهیزد منجر شود. در یک دهکده جهانی، تنها راهبرد مسئولی که پیشگام است یک راهبرد منطقی است، به عبارت دیگر، می توان راهبردی از خست مشی های کاملاً هماهنگ را جایگزین برنامه هایی کرد که به طور دقیق و اغلب با بیان کوتاه و مفید طراحی شده باشد. سیستمهای اعلام خطر که به طور مستمر در حالتهای یادگیری کنترل رو به بهبودند اساساً نقش ارزنده ای خواهند داشت.

توفیق خط مشی های بلندمدت و به همان اندازه، پروژه ها به حدی چشمگیر خواهد بود که می تواند اشتیاق همکاری را برانگیزد. همان گونه که تجربه نشان می دهد، کوششهای پرتیرمی توسط فعالیتهای گروهی مشترک بدون توجه به حکومت به عمل آمده است. کلیه پروژه هایی که برای غلبه بر ناهنجاری طراحی می شوند در ماهیت خود، پروژه های تحقیقاتی در زمینه های بسیار ناشناخته هستند. این پروژه ها باید به صورت نظامهای یادگیری خود ارجاعی سازماندهی می شوند. آنها باید نسبت به وقایع قابل پیش بینی و غیرقابل پیش بینی به سرعت و حتی در صورت ممکن با

دوراندیشی واکنش نشان دهند. در مراحل یک پروژه، آنها باید با شرایطی که اغلب با سرعت و به طور بنیادی در حال دگرگونی است برخورد کنند. سیستمهای اعلام خطری که به درستی طراحی شده باشند در یک مقیاس بزرگ و همچنین در یک مقیاس محلی به عنوان ابزاری از جهت گیری سریع و اقدامات (یا اقدامات متقابل) برنامه ریزی عمل خواهند کرد. به علاوه، آنها همانند وسیله مشترکی که اعضای گروه را به وسیله اطلاعات مشترک به یکدیگر پیوند می دهد مؤثر خواهند بود. سیستمهای اعلام خطر، جریان اطلاعات مناسب و خوب سازماندهی شده متکی بر ارزیابیهای واقع بینانه، به عنوان حلقه ارتباط مدیریت داخلی پروژه و مواردی از حکومت جهانی یا مرکزی عمل خواهد کرد. آنها ممکن است از ستون مهره های شبکه تحقیقات برای اطلاعات، داده ها، اطلاعات و الگوسازی تشکیل شوند. خود الگوهای اعلام خطر بر آگاهی روزافزون از ناهنجاری و قدرت مقابله با آنها انعکاس خواهند یافت.

گروههای کار درباره نتایج پروژه به توافق رسیدند. کار علمی باید در بستر یک سیستم اعلام خطری که یک گروه اجرایی از سیاستمداران آن را برای انطباق با اهداف خود، برمیگزینند جاری شود. تعریف مسئله، کشف مسائل در رویدادهای واقعی و گرایشهای جهانی (عمدتاً جهان سوم) و جایگیری آنها در قالبهای تحلیلی باید منشأ یک ابزار تشخیص باشد که وجود آن هنگامی که سیاست توسعه، دست یابی به اهداف و آرمانها را نشانه می رود، بسیار ضروری است. نمودار زیر زمینه یک تحقیق ناهنجاری را در قالب تقویت توسعه توسط یک انجمن یاری دهنده نشان می دهد.

einer neuen Entwicklungspolitik. Frankfurt, New York 1993

Friedli, R.: Anomie-Forschung (Zwischenbilanz) (Sep. 1994)

Galtung, J.: On the social costs of modernization (March 1995)

Galtung, J.: Anomie (chart) (March 1995)

Gern, J. P.: La Problématique de la Transition (1994)

Lanjon, A.: Li Han-Lin; Qi Wang; John Western: Comments on Dr. H. Lochenhoffs paper Meeting the anomie challenge (Aug 1995)

LOCKENHOFF, H.: What SID wants to achieve (March 1995)

LOCKENHOFF, H.: Anomie (program for analysis)

LOCKENHOFF, H.: Anomie (procedure of analysis)

LOCKENHOFF, H.: Anomie -its categorical concepts

LOCKENHOFF, H.: Dynamics of anomie

LOCKENHOFF, H.: SAD-Organization. Distribution of tasks

LOCKENHOFF, H.: Meeting the anomie challenge (July 1995)

LOCKENHOFF, H.: Modeling Early Warning Systems: Design and Strategies (Oct. 1995)

Schmid, J.: Soziale Anomie und soziale Evolution (On nomic Areas) (Okt. 1994)

Schmid, J.: Anomie as an accomplice and a danger to cultural development

عامل کمک کننده (دهنده) (۱) باید به شرایط عینی یک منطقه هدف به عنوان نخستین دلیل ظاهری قصد و نتیجه (۲.الف) توجه داشته باشد. شاخصهای فرهنگی با ساختار پنهان یا نهفته‌ای از یک منطقه اشاره دارند و تصویر دقیقی از زندگی واقعی و تنشها (۲.ب) را ارائه می‌کنند. این شاخصها با انواع ناهنجاری (۱) ابتکاری، تکاملی (۳) مواجه می‌شوند که به نوبه خود، نتایج مقیاسهای سیاسی (۴) را آشکار می‌سازند.

جمع‌بندی تحلیلی این عملیات تحقیقاتی مفاهیم زیر را در برخواهد داشت (۵):

- انگیزه‌ای برای ادامه یک خط مشی، اما همچنین
- یک زنگ خطر (اعلام خطر) برای جهت گیری دوباره یا
- متوقف کردن یک خط مشی ویژه در منطقه‌ای معین

مراجع

D. Central paper and Sources of the First Year Report

AFSHAR, F. S. BATZLI : Zur Diskussion: Ein Modell der Anomie (Nov. 1994)

AFSHAR, F.: 2nd working seminar on anomie (approach & expectations) (Spring 1995)

ATTESLANDER, P. (ed.): Kulturelle Eigenentwicklung als Kampf gegen Anomie. in: Kulturelle Eigenentwicklung. Perspektiven

Schmid, J.: Comments on Dr. Lochenhoffs paper 'Meeting the anomie challenge' (Aug. 1995)

Schmid, J.: Zum Stand und zur empirischen Problematik des Anomie-Projekts (Aug. 1995)

Schmid, J.: Procedure of analysis based on an indicator-model (March 1995)

Schmid, J.: Preliminary stock-taking (March 1995)

Schmid, J.: Proposal for procedure and follow-ups



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی